نامه ملک الشعرا صبا و پاسخ ناصرالدین شاه

ملک- الشعرا بسال 1228 هجری قمری در تهران چشم بجهان گشود. پدرش محمد حسین خان عندلیب و جدش فتحعلی خان صبای کاشانی بود. لقب ملک الشعرائی ابتدا از جانب فتحعلی شاه به فتحعلی خان صبا داده شد و پس از فوت او این لقب به پسر بزرگش عندلیب رسید و پس از آن محمود خان بدین لقب موسوم و نام‏آور گردید. محمود خان دارای طبعی لطیف و ذوقی سرشار بود و در اغلب فنون هنر مهارت داشت.در حسن خط،نقاشی و منبت‏کاری و مجسمه‏سازی استاد بود و در دستگاه ناصر الدین شاه ارج و منزلتی فراوان داشت ولی در پایان عمر همچون همه هنرمندان و شاعران باذوق با فقر و فاقه دست به گریبان بوده و روزگار را به حسرت میگذرانیده است. و دلیل فقر و درماندگی او وحید » شماره 100 (صفحه 19) هم،همین نامه است که به ناصر الدین شاه نوشته و بضمیمه قلمدانی که با حال ضعف و پیری تهیه کرده بوده تقاضای کمک برای اعاشه اهل و عیال و ادامه معیشت خود کرده است. در این نامه نمونه خط و انشای پخته و گیرای ملک- الشعراء بخوبی مشهود است. محمود خان بسال 1311 هجری قمری یعنی دو سال قبل از قتل ناصر الدین شاه وفات یافت و در همان محل که ناصر الدین شاه مدفونست بخاک سپرده شده است. دیوان اشعار او محتوی قصائدی است در مدح ناصر الدین شاه و بزرگان دولت و دربار آن زمان و تعداد و ابیات آن به دو هزار و ششصد بیت بالغ میشود. اکنون نامه ملک- الشعراء را مطالعه فرمایید: بابی انت و امی فدوی در حضرتی که بحقیقت دریچه عنایت و مشرق و مروت و مطلع فتوت است اگر عرضحالی نکند البته در در کار خود مقصر است.قربانت شوم مدتها بود که این بنده آرزوی عتبه بوسی اولیا علیهما السلام داشت بمراحم حضرت اشرف اجل اکرم اعظم روحی فراه باین آرزو رسید ولی وجهی که مایه گذران دو ساله بود بانضمام آنچه داشت از طریف و تاله در این راه گذاشت و بر جبران کسر دو ساله قادر نیست و اکنون اوقات فدوی منقسم بدو قسم شده یکی تجدید حجتهای سابق و یکی زحمت استقراض جدید باطن اولیا شاهد است که مدتهاست خنده نشاط بر لب فدوی نگذشته است و از اطلاع همسایگان و اهل محله از خود و حالت خود شرمنده است و چون فدوی از منتسبان و بستگان آن آستان است دائما چشم براه و منتظر مراحم آن حضرت است اینک با کمال امیدواری از نوک قلم عنایت رقم اشرف اکرم اعظم که در اجرای رد و قبول مختار است مستدعی است که بمقدار خانواری که صلاح دانند فدویرا سرافراز فرمایند که این جمع عیال بآسودگی نانی داشته باشند و یکنوع اختصاصی از اینمرحمت برای فدوی حاصل شود آخر عمر فدوی است و مدتی قلیل مهمان دولت خواهد بود و عنقریب رفع زحمت خواهد کرد اگر چند روزی به آسایش بگذرد چنان است که همه آسایش گذشه است. گر توانی که بجوئی دلم امروز بجوی-اگر در دولتی که دور و نزدیک از آن بهره‏ها برده‏اند این بنده فدوی باو بال قرض از دنیا نرود عجب نیست.فدوی چند روزی بساختن قلمدانی اشتغال داشت و اینک همت اتمام یافته بندگی حضور صدارت ظهور داشت بهتر از اینها از چشم فدوی در این ضعف پیری کاری ساخته نیست از بزرگی فدوی را بقبول آن مفتخر خواهند فرمود.زیاده جسارت است.الامر الاشرف الارفع الاعلی مطاع. جناب امین السلطان ملک الشعراست و لایق مرحمت پنجاه خروار خانه‏واری باید باو داده شود از بارس ئیل در کتابچه دستور- العمل بارس ئیل خالصه و اربابی طهران در کمال سهولت میتوان این پنجاه را گنجاند که ابدا ضرری هم بدیوان نرسد.